



www.ketab.ir
عمری بیتہ

شیما رحیم نژاد

سرشناسه	: رحیمزاد، شیما، ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: عمری بی تو/ شیما رحیمزاد.
مشخصات نشر	: قم: گنج عرفان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: 978-600-6061-55-9
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: PIR8-08/ع۹۳۱۶۴۸ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۸۹۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۰۴۳۷۲

عمری بی تو

نویسنده: شیما رحیمزاد
ویراستار متن و شعر: سید محمد مهدی موسوی
طراح جلد و صفحه‌آرا: دکتر سید علی‌رضا علوی کامران
ناشر: گنج عرفان
چاپ: ذاکر
نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۱
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

مرکز فشی:

تلفن: ۷۷۴۶۵۶۷-۲۵۱۰

قسم: خیابان صفائیه، کوچه بیگدلی، گوی جلال‌زاده، گوی شریفی

WWW . Ebtekdardanesh.com & Email: Ebtekdardanesh@yahoo.com

کلیه‌ی حقوق این اثر محفوظ است.

این کتاب را تقدیم می‌کنم به پدر و مادر عزیزم که همیشه در طول زندگی برایم مشوق و مشاورانی دلسوز و مهربان بودند.
و نیز با تشکر ویژه از استاد ارجمند و فرهیخته‌ی عرصه ادبیات، جناب آقای سید محمد مهدی موسوی میر کلاپی که در ویراستاری متن و اشعار، اینجانب را یاری کرده و مقدمات چاپ این مجلد را برایم فراهم نمودند.

پیش گفتار:

...او در یکی از روزهای گرم نیمه اول مرداد ماه سال ۱۳۷۱ در شهرستان چالوس از خطه‌ی سرسبز مازندران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا مقطع فوق دیپلم نرم افزار ادامه داد. از سال سوم دبستان علاقه‌ی شدیدی به نوشتن داستان در وی به وجود آمد و این حس با تشویق خانواده شدت بیشتری پیدا کرد. داستان نویسی را با قصه‌های کوتاه و کودکانه شروع کرد. ورود به این عرصه او را با دنیای شعر و شاعری آشنا کرد. اولین تجربه نویسنده‌گی را به پیشنهاد برادرش در سال آخر راهنمایی به دست آورد و همچنان ادامه داد، اما زمان عمری بی تو تجربه‌ای نو بود. داستانی برگرفته از واقعیت و خیل که در سال اول دانشگاه به رشته تحریر درآورد. عمری بی تو داستانی است که تقابل انسان‌های خوب و بد را به نحوی ساده و امروزی بیان می‌کند. روایتی از عشق، خیانت، دو رویی، کمک، امید و ناامیدی و... که در جوامع بشری از زمان خلقت انسان وجود داشته تاکنون و تا همیشه ادامه خواهد داشت.

در این داستان دل‌نوشته‌ها و سرگذشت لحظه‌های شاد و غمگین راوی را با او ورق زده و درواقع با او همراه و هم‌دل می‌شویم، تصاویر و صحنه‌های آن را با چشم ذهن و دل به تماشا نهاده‌ایم و او می‌خندیم، گریه می‌کنیم، متاثر می‌شویم و...

عمری بی تو حاصل تلاش سرکار خانم رحیم‌نژاد که برگرفته از روزمره‌گی‌های اطرافش بوده و با خواندن آن چیزی که دور از ذهن باشد را نمی‌یابیم و با بازیگران نقش‌های این نمایش‌نامه‌ی مکتوب هم‌قدم شده و تا انتها می‌رویم. این کار به عنوان نخستین تجربه‌ی بانو رحیم‌نژاد که شاعره نیز هستند، بسیار زیبا از کار درآمده و درس‌هایی واقعی از زیستن در این عصر را به ما می‌دهد که خالی از لطف نیست. امید که بتواند بیشتر و بهتر در عرصه‌ی ادبیات این مرز و بوم قلم زده و ما شاهد کارهایی زیباتر و دلنشین‌تر از این فرهیخته بانوی خطه‌ی سرسبز مازندران باشیم. به امید آن روز، انشالله

عمری بے تو

یار عمر / بر تو من سر کرده‌ام
 عشق را در خویش یاد کرده‌ام
 نیست من با خیالت روز و شب
 شعرهایم نقش دفتر کرده‌ام
 چونکه رفتی بهار من خزا
 زهر تنهایی به ساغر کرده‌ام
 که مرا / عمر / نسیم و رفتار
 توانم / دانه / چوب / سر کرده‌ام
 که / عشق / اهورای من
 یاد تو در خود / سر کرده‌ام
 قصه / ماه / قصه / در ادگر
 خوانده‌ام / هر بار و از بر کرده‌ام
 حرف بسیار است و من / یایم / راه
 میل تو / دنیا / دیگر / کرده‌ام
 سویت / گویم / تا دلم را بشنوی
 یار عمر / بر تو من سر کرده‌ام